

«صبح ساحل» چالش ها و فرصت ها و تهدیدهای پیش روی انتخابات آتی مجلس ۱۴۰۲ را بررسی می کند

امکان سنجی سیاسی در ایستگاه خانه ملت

دربروز عصر فترت و محاق مشارکت سیاسی در تاریخ پساجمهوری اسلامی تلقی کرد. بحران عدم مشارکت سیاسی و تکرار آن در انتخابات سال آینده مجلس منوط به این خواهد بود که امکان یک انتخابات آزاد که مردم در شهرها و روستاهای سطح کشور نمایندگان واقعی و مورد نظر خود را به خانه ملت بفرستند. در این مسیر، بحث صلاحیت های انتخاباتی کاملا بر موضوع اثرگذار خواهد بود.

چالش آرای باطله

یک اتفاق جالب در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ رخ داد که در نوع خود بی سابقه بود و آن تعداد زیادی آرای باطله بود که در صندوق های رای گیری دیده شد. این آرای باطله بیش از هر چیزی نمایانگر اعتراض بود و در واقع یک رای اعتراضی محسوب می شد. طبق آمارتعداد ۳٫۷ میلیون رای سفید یا نام هایی در برگه های رای نوشته شد بود که یا اساسا نام آنها در میان کاندیداهای نهایی نبود و یا اینکه توسط شورای شورای نگهبان رد صلاحیت شده بودند. این آرای باطله چیزی معادل ۱۳٪ از کل آرا را به خود اختصاص می داد. این نوع استفاده از صندوق رای، خود نوعی اعتراض خاموش محسوب می شد. این شیوه اعتراض نه تنها توسط حاکمیت و نهادهای نظارتی جدی گرفته نشد، بلکه طبق برخی گزارش ها، به عنوان آمار رای دهندگان نیز مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین بیم آن می رود که چالش آرای باطله در انتخابات سال آینده نیز تکرار شود. عدم تکرار چالش فوق بستگی به رفتار هیات های نظارت بر انتخابات دارد که چگونه امکان یک مشارکت همگانی را فراهم کنند.

چالش نهادهای موازی در تقابل با نهادهای انتخابی

سیاست موازی سازی تنها در برابر نهاد قانون گذاری (انتخابی) که از سوی مردم برای ورود به مجلس انتخاب می شوند، محدود نشد بلکه در تقابل با نهاد دولت (دولتی برآمده از آرای مردمی) نیز دولت در سایه شکل گرفت. مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از حضور در تکار صندوق های رای تا کسب منصب دولتی که اساسا مبتنی بر حق شهروندی است. حاکمیت اکنون میراث دار مشکلات و معضلاتی است که نه فقط یک بخش خاص بلکه همه اجزا جامعه را درگیر کرده است. بیشترین آسیب نیز به انسجام در ساختار مدیریتی کشور وارد شده و دولتی غیرپاسخگو، ثروتمندتر و قدرتمندتر از دولت منتخب مردم، کشور را به سوی ناپساامانی و بحران سوق داده است. هدفی هم جز هم راستایی نهادهای انتخابی با منافع کوتاه مدت و بلند مدت خود ندارند؛ از مقاومت در برابر اجرای کنسرت ها تا دسترسی مردم به جریان آزاد اطلاع رسانی، حذف منتخب زرتشتی مردم یرد، تعیین تکلیف برای مجلس در بازار ارز، راه انداختن قائله مؤسسات مالی اعتباری و مقاومت در برابر رشد سرمایه ملی و تولید داخلی و عواملی از این دست زمینه را برای یک فهر سیاسی بزرگ فراهم کرد و دایره طردشدگی سیاسی را از حوزه سیاست به عرصه فرهنگ، اقتصاد واجتماع نیز تسری داد.

چالش مدل استانی، شهرستانی

اما چالش بزرگ پیش روی مجلس شورای اسلامی در بهره بردن از این راه حل، نگاه نمایندگان مجلس به نظام انتخابات به عنوان چوبی جادویی است که باید نسخه اصلاحی آن تمامی مشکلات مجلس را حل کند. اصرار نمایندگان مجلس در ادوار مختلف برای حل معضل غلبه نگاه محلی نمایندگان بدون توجه به ریشه آن در تمرکز نظام اداری، منجر به ارائه نظام ابداعی و متزلزل استانی-شهرستانی در دوره قبلی مجلس شد که تلاش داشت بدون توجه به مقتضیات نظام های انتخاباتی مختلف، مزایای همه آنها را درکنار یکدیگر جمع کرده و معایب هیچ کدام را نداشته باشد؛ تلاشی که مطابق انتظار شکست خورد. متأسفانه با وجود تجربه شکست مدل استانی-شهرستانی، هنوز ردپای نگاهی که هم خدا و هم خرما را می خواهد تلاش دارد با ادغام نظام های انتخاباتی مختلف، بدون توجه به تجربیات دیگر کشورها همه مسائل را درکنار هم حل کند، در مجلس مشاهده می شود. به نظر می رسد باز شدن گره اصلاح قانون و نظام انتخابات مجلس، در گرو پذیرش این موضوع از سمت نمایندگان است که حل کردن بخشی از مشکلات مجلس با نظام تناسبی، بهتر از تلاش بی نتیجه برای حل همه مشکلات درکنار یکدیگر با مدل های شکست خورده و ابداعی است.

کمتر شدن حوزه رقابت و چه از جهت روگردانی مردم از صندوق های رأی داشتیم، مطلوب نظام و مردم نیست. طبیعتا رویکرد تنگ نظرانه بر خلاف تصور دلسوزان کشور با ضریب فرآینده در انتخابات ۱۴۰۰ تکرار خواهد شد و شاهد انتخاباتی کم رونق و کم مشارکت خواهیم بود، بنابراین انتظار می رود در کنار تلاش هایی که در راستای حفظ منافع و امنیت ملی و رضایت مردم صورت می گیرد، در حوزه های اقتصادی و سیاست خارجی در عرصه داخلی اولاً از فشارهای عصبی متوجه افکار عمومی بکاهند واز طرح هایی شبیه صیانت و سایر ایده های خیال پردازانه ای که ثمری جز نارضای کردن در حوزه سیاسی پرهیز کنند.

حذف نگاه تک حزبی

آنچه در دو انتخاب اخیر مشاهده کردیم تغییر راهبرد همیشگی نظام از «میزان رأی ملت» به برگزاری انتخاباتی با نتایج مطلوب یک جناح بود. ممکن است در کوتاه مدت رسیدن به این هدف باعث خرسندی مسیبان این شرایط باشد، اما بدون شک در میان مدت و درازمدت ما اصلی ترین منبع قدرت که حمایت اکثریت جامعه که همه جریان ها و احزاب سیاسی هستند نه و فقط یک گروه خاص که در بهترین شرایط در کشور ۱۰الی ۱۵ رأی دارند را نخواهیم داشت. اگر سال ۱۴۰۱ با پایان دادن به رفتارها و رویکردهای ناامیدکننده و محدودکننده نقش آفرینی سیاسی همه جریانات و احزاب آغاز شود، می تواند امیدبخش باشد به شرطی که در کنارش در حوزه اجتماعی و سیاست نظام در برخورد با نخبگان جامعه و حوزه های روشنفکری، نهادهای مدنی و احزاب دچار تغییرات اساسی شوند و شعار «نه شرقی و نه غربی» در روابط خارجی «استقلال و آزادی و جمهوری» که هم در سیاست خارجی و داخلی جایگزین رویکردهای جاری دوطرفه باشد اگر چنین فضایی را ما در سال ۱۴۰۱ شاهد باشیم، می توان امیدوار بود در جهت کسب رضایت و تامین امنیت و منافع ملی و نیز حسن استفاده از فرصت هایی که از لایلای تحولات و تنش های منطقه ای و بین المللی نصیب جمهوری اسلامی ایران خواهد بود با یک رویکرد حق طلبانه و توسعه گرایانه، مجموعه ملت و حاکمیت خواهند توانست حال و روز بهتری را برای ایران و ایرانیان رقم بزنند و انتخابات سال آینده را با یک سنت شکنی سیاسی به انتخاباتی متفاوت تبدیل کنند.

عصر فترت و محاق مشارکت سیاسی

بررسی میزان مشارکت مردمی در کارزارهای انتخاباتی به عنوان یک امر سیاسی و همچنین تاثیر بر فرآیند اعتراضاتی که در سال های اخیر ظهور کرده را می توان نمونه ای از اثرات طردشدگی سیاسی لحاظ کرد. در این راستا می توان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس را مثال زد. کاهش

هم برای مردم مطرح می شود، چرا که اگر این نامزد رای بیابود و براساس رویه های قانونی نتواند اعمال صلاحیت بکند حاکمیت را متهم به ایجاد اختلال در انجام وظایف می کند. چنانچه در بند ۵ سیاست های کلی انتخابات ابلاغی در تاریخ ۲۴مهرماه۱۳۹۵ نیز به ممنوعیت قانونی این وعده دهی ها اشاره شده است. برای حل مساله تعدیل انتظارات عمومی و خود تنظیمی رفتار نمایندگی، باید اصلاح قانون نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس، با رویکرد تعیین شفاف حدود و ثغور کارکرد نمایندگی و تعیین حوزه پاسخگویی خدماتی نماینده در حوزه های انتخابیه در دستور کار مجلس قرار بگیرد. طرح اصلاح این قانون در تابستان سال گذشته مورد قبول نماینده ها واقع نشد و پیش نویس جدیدی آماده بررسی در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان قرار گرفته است. همچنین در ماه های اخیر موضوع تحقق سیاست های کلی در قالب اصلاح نظام انتخابات مجلس، رفت و برگشت های متعددی در صحن وکمسیون شوراها ی مجلس و شورای نگهبان داشته است که در آخرین اقدام، طرح مذکور جهت اصلاح و بررسی بیشتر به کمیسیون شوراها ارجاع داده شده است. گفتنی است که در ماده ۷۵ این طرح، با به رسمیت شناخته شدن فرایندی برای حضور اقلیت های سیاسی در قالب کرسی های تناسبی ویژه کلانشهرها، ضمن بالابردن احتمال رای آوری گرایش های سیاسی مختلف و به تبع بالا رفتن میزان مشارکت، این امکان را فراهم می کند که نامزدهای شایسته و در عین حال کم نام و نشان برای حضور در عرصه های انتخاباتی بر رقابت -که در شرایط فعلی بدون پشتوانه های مالی و رسانه ای جدی امکان آن بسیار کم است- فرصتی پیدا کرده و در معرض قضاوت سیاسی عموم مردم قرار بگیرند. بی تردید تحقق این اصلاحات می تواند گامی موثر در تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای ادراک عمومی نسبت به نتیجه بخشی مشارکت سیاسی تلقی شود.

وضعیت بد معیشتی و بحران مشارکت

طرف ۶ماه گذشته بر خلاف شعارهایی که برندگان دو انتخابات اخیر دادند، در حوزه رفاه و آسایش مردم نه تنها شاهد کاهش آلام مردم نبوده و نیستیم بلکه همواره شاهد افزایش سرسام آور قیمت ها و فشار روز افزون به مردم بوده ایم، درصورتیکه اگر این امر مورد چاره جویی قرار نگیرد، در آینده به خصوص در انتخابات سال ۱۴۰۲ بیش از ۵۲ درصدی که در انتخابات ۱۴۰۰ از صندوق های رأی قهر کردند، شاهد واگرایی مردم نسبت حکومت و دولت باشیم، دولت، مجلس و قوه قضائیه موظف هستند ضمن حسن استفاده از این یکدستی که اتفاق افتاده است، هرچه بیشتر بر میزان کارایی و اثر بخشی بیافزایند و به موازات، این کارآمدی می تواند بخشی از نارضایتی ها را کاهش و به پاره ای از پیامدهای مخرب برآمده از فضای سیاسی دو ساله گذشته پایان دهد. آنچه در انتخابات ۹۸ مجلس ا ز جهات مختلف چه از حیث



سال آینده کارزار انتخاباتی مجلس پیش روی مردم ایران است. کارشناسان و تحلیلگران سیاسی معتقدند که در دوره آینده فضای سیاسی کشور باید فضا را برای انتخابات آزاد باز کند. روی این اصل، باید یک تیم اصلاح طلب و یک تیم اصولگرای قوی وجود داشته باشد تا صحنه انتخابات در سطح کشور را به صحنه رقابتی تبدیل کنند. طبیعی است اگر رویکردهای تنگ نظرانه قبلی در انتخابات سال آینده نیز مدخلیت داده شود، بحران مشارکت در کمین نشست و در چنین شرایطی ما شاهد انتخاباتی سرد و مجلسی ضعیف خواهیم بود. بنابراین راهبرد نظام باید مبتنی بر حضور مردم در انتخابات و فضای سیاسی و مشارکت بسیار باز و بالا باشد. منتقدان جریان اصلاحات که قائل به رویکردی تک محور در ساخت امر سیاسی هستند که در ذیل این محور زمینه حذف رقیب را از میدان فراهم می کنند را به فراموشی بپسارند. آگاهان سیاسی بر این امر واقفند که اگر مجلسی تشکیل شود که گرایش اصلاح طلبی داشته باشد، ولی حضور مردم پررنگ باشد، این به نفع ملک ومملکت است. البته در یک رقابت آزاد سیاسی و مشارکتی امکان ورود اصولگرایان و فتح مجلس اتفاق افتد، محلی از اعراب دارد و شبهه ای بر آن وارد نخواهد شد. متأسفانه در دوره های اخیر مجلس، فراکسیون ها و حضور نمایندگان در این فراکسیون ها به صورت ژله ای شده و مشخص نیست کدام نماینده دقیقاً در کدام فراکسیون حضور دارد. البته در انتخابات سال آینده چالش های زیادی پیش روی انتخابات قرار دارد. در ادامه گزارش به بررسی این چالش ها، فرصت ها و تهدیدها پرداخته ایم که از نظر می گذرد.

قانون اصلاح انتخابات

ساله است که موضوع اصلاح قانون انتخابات مطرح شده است اما گام عملی در این راستا صورت نگرفته است. اصلاحاتی که می تواند گامی موثر در تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای ادراک عمومی نسبت به نتیجه بخشی مشارکت سیاسی و انتخابات تلقی شود، تاکنون مطالعات تجربی فراوانی پیرامون تحلیل رفتار رای دهندگان در انتخابات در ادبیات اقتصاد سیاسی و علوم اجتماعی انجام شده و البته روند صعودی کاهش مشارکت سیاسی شهروندان در کشورهای مختلف به مثابه یک نگرانی اصلی برای محققان و سیاست گذاران نقل محافل اندیشه وزری واقع شده است. مطالعات نشان می دهد که تصمیم برای رای دادن توسط یک رابطه متقابل پیچیده از عوامل اجتماعی-اقتصادی و روانشناختی مشخص می شود. عدم مشارکت در فرآیندهای سیاسی اغلب ریشه در بی تفاوتی و بیگانگ با سیاست و همچنین میزان اعتماد عموم به سیاستگذاران داشته و زمینه های مختلفی همچون درک عمومی نسبت به اثربخشی سیاس دارد. نظریه اثربخشی جمع به دو عامل روانشناختی کلیدی اشاره می کند که بر رای دادن یک فرد تاثیر می گذارند؛ اثربخشی درونی و اثربخشی بیرونی. اثربخشی سیاسی درونی منعکس کننده باور افراد به توانایی آن ها برای ایجاد تغییر از طریق مشارکت مدنی است بنابراین ریشه در خودکارآمدی دارد و بر توانایی درک شده و تاثیرگذاری بر سیاست تمرکز دارد و اثربخشی خارجی این درک را منعکس می کند که آیا سیستم سیاسی به

